

برگردان از متن انگلیسی: براتعلی فرهید

منبع ویکیپدیا (دانشنامه آزاد)

05-11-2012

ایلام

ایلام تمدن کهن متمرکز در غرب و جنوب غرب ایران امروزی بود، بسط یافته از زمین های پائین آنچه در حال حاضر استان خوزستان و ایلام و یک بخش کوچک از جنوب عراق است. نام مدرن ایلام رونویسی از کتاب مقدس عبری، مربوط به ایلام سومری، ایلام توآکادی و هالتمتی ایلامی است. کشورهای ایلامی در میان نیروهای سیاسی پیشرو باستانی در شرق نزدیک بودند. در ادبیات کلاسیک، ایلام اغلب به عنوان سوسیانا، یک نام مشتق شده از پایتخت خود، سوسا(شوش) نسبت داده میشود.

واقع به شرق بین النهرین، ایلام بخشی از اوایل شهر نشینی دوره کالکولتی (عهد مس) بود. ظهور ثبت های کتیبا حدود 3000 ق.م نیز تاریخ بینالنهرین را موازی میسازد، جایی که نوشتن زود تر از ایلام استفاده میشود. در دوره ایلامی قدیمی (عصر برنز میانه) ، ایلام مشتمل از شاهان در فلات ایران ، متمرکز در انشان بود، و در اواسط هزاره دوم ق.م، آن متمرکز در سوسا در زمین های پائین خوزستان بود. فرهنگ آن نقش حیاتی در امپراتوری کم حیات گوتی بخصوص در دوران سلسله هخامنشی بازی کرد ، زمانی که زبان الامیدربین آنها برای استفاده رسمی باقی ماند. ایلامی بطور کلی قبول شد که یک زبان جدا بماند.

صرف

ایلامی ها کشور خود را حالتتمتی ایلام سومری،ایلام اکدی، مونثایلامیتو صدا میکردند. علاوه بر این، آن به عنوان الام در کتاب مقدس عبری شناخته شده، جایی که آنها فرزندان ایلام، فرزندان ارشدشم نامیده می شدند (به ایلام در کتاب مقدس پیدایش 10:22، عزرا 4:09 نظر کنید)، اگرچه در واقع ایلامی ها به زبان های غیریهودیمنزوی صحبت میکردند.

کشور بلند ایلام به طور فزاینده توسط پایتخت بعدی پایین قرار گرفته خودسوسا معروف بود.

جغرافی دانان بعد از بطلمیوس آنرا به نام سوسینا نامیدند. تمدن ایلامی در ابتدا در استان خوزستان امروزی و در ایلام ماقبل تاریخ متمرکز بود. نام مدرن استانی خوزستان از نام فارسی برای سوزا مشتق شده است .

تاریخ

آگاهی از تاریخ ایلامی همچنان تا حد زیادی پراکنده و نامنجم است، بازسازی عمدتاً به اساس منابع بینالنهرین (سومری، اکدی، آشوری و بابلی) میباشد. تاریخ ایلام مرسوم به سه دوره، درگسترده‌گی بیش از دو هزار سال تقسیم شده است. دوره قبل از دوره ایلامی به عنوان دوره پروتو ایلامی شناخته شده است:

- ♣ ماقبل - ایلامی : حدود 3200 سال ق.م - 2700 ق.م (اسکریت ماقبل - ایلامی در شوش).
- ♣ دوره قدیمی ایلامی : حدود 2700 ق.م - 1600 ق.م (قدیمیترین اسناد تا سلسله پارتی).
- ♣ دوره میانه ایلامی : حدود 1500 ق.م - 1100 ق.م (سلسله انزانی تا تهاجم بابلی بر شوش).
- ♣ دورهای ایلامی جدید : حدود 1100 ق.م -- 539 ق.م (مشخص شده توسط نفوذ آشوری ومدی. 539 ق.م آغاز دوره هخامنشی را نشانه میکند).

ماقبل ایلامی



نقشه ساحه امپراتوری ایلامی (به رنگ قرمز) و نواحی همسایه را نشان میدهد. گسترش تقریبی عصر برنز خلیج فارس نشان داده شده است.

تمدن ماقبل-ایلامی در شرق رود دجله و فرات، دشت هایآبرفتیرشد کرد؛ آن ترکیبی از مناطق پائین و نواحی کوهستانیمتصل به شمال و شرق بود. حداقل سه دولت پروتوایلام: انشان (فارس مدرن)، آوان(احتمالا مدرن لرستان)، و شماشکی (مدرن کرمان) به ایلام ادغام شدند. منابع به آوانعمولا قدیم تر از کسانی که برایشاناند و برخی از دانشمندان معتقد است که هر دو کشور، در دوره های مختلف شامل همان قلمرو بودند. (هانسون، دایرهمعارف ایرانیکا)

به این هسته، شوشیانا (مدرن خوزستان) به صورت دوره ای ضمیمه و قطع شد. علاوه بر این، برخی از سایت هایپروتوایلامی به خوبی در خارج از این منطقه یافت می شود که در فلات ایران گسترش یافته است، مانند ورکشه، سیلک (در حال حاضر در حومه شهر مدرن کاشان) و جیرفت در استان کرمان. دولت ایلام از این کشورهای کم به عنوان پاسخ به تهاجم سومر در طول دوره ایلامی قدیمی شکل گرفته بود. قدرت ایلامی در توانایی برای نگهداری با هم این مناطق مختلف زیریک دولت هماهنگ بود که اجازه مبادله حداکثر منابع طبیعی منحصر به فرد به هر منطقه استوار رامیداد. به طور سنتی، این از طریقیک ساختار دولتی فدرال انجام میشود.

شهرستان پروتوایلامی شوش در حدود 4000 سال قبل از میلاد در حوضه رودخانه کارون تاسیس شد. در نظر گرفته شده است که این سایت تشکل فرهنگی پروتوایلامیباشد. در طی تاریخ اولیه خود، بین تسلیمی به بینالنهرین و قدرت ایلامی نوسان کرد. سطوح اولین (22-17) در کاوشهای انجام شده توسط له برون، (1978) سفالی رانمایش داد که در بینالنهرین معادل ندارد، اما برای دوره موفق، مواد حفاریشده اجازه شناسایی با فرهنگ سومر را از دوره اوروک میدهد.

نفوذ پروتو ایلامی از فلات ایران در شوش از حدود 3200 سال قبل از میلاد دیده می شود، و متون ها در هنوزفاش نشده سیستم نوشتاری پرو ایلامی تا حدود 2700 سال قبل از میلاد وجود دارد. دوره پروتوایلامیا استقرار سلسلهآوانبه پایان می رسد. اولین شکل شناخته شده تاریخی در رابطه با ایلام پادشاه انمهرآگسیEاز کیش (حدود 2650 قبل از میلاد) است کهطبق فهرست پادشاه سومری آن را تسخیر کرده بود. تاریخایلامی تنها می تواند ازسوابق آشنایی به آغاز امپراتوریآکدی در حدود 2300 قبل از میلاد به بعد ردیابی شود.

دولت هایپروتوایلامی در منطقه جیرفت و زابل، یک مورد خاص به دلیل قدمت بزرگ باستانی خود ارائه میکنند. باستان شناسان پیشنهاد کرده اند که رابطه نزدیک بین تمدن جیرفت و تمدن ایلامیتوسط اصابت شباهت های قابل توجه در هنر و فرهنگ، و همچنین نوشته های به زبان ایلامیافتشده در جیرفت ثابت شده است - احتمالا گسترش حضور ایلامی به عنوان اوایل 7000 پیش از میلادگواه است.



سایت فعلی چغازنبیلزیگورات ، مجاورت ساختار اصلی را نشان میدهد.



نقش برجسته، یک زن توسط یک ملازم پکه میشود در حالی که او به آنچه ممکن است دستگاه نخ ریزی جلو میز با یک کاسه حاوی کل ماهی باشد.

دوره قدیم ایلامی در حدود 2700 ق.م شروع شد. ثبت های تاریخی اشاره از فتح ایلام توسط انباراگسی پادشاه سومری از کیش در بین النهرین میکند. سه سلسله در این دوره حکومت کردند. ما دوازده شاه از هر کدام دو سلسله اول ، آن ها از اوان (یا افان؛ حدود 2400 - 2100 ق.م) ، و سماش (حدود 2100 - 1970 ق.م) از یک لیست از شوش مورخ دوره قدیم بابلیونی میشناسیم.

دو سلسله ایلامی را گفت که اعمال کنترل کوتا بالای بخش های سومر در زمان خیلی پیش، شامل اوان و همازیکرده اند؛ و به همین ترتیب ، چند تن از حاکمان قویتر سومری، از قبیلاینا توماز لاگاش و لوگال انی مندو از اداب ، بطور موقت حاکم بر ایلام ثبت است.

سلسله اوان تا حدی معاصر با امپراتور بینالنهرین، سارگان از اکاد بود ، که نه تنها پادشاه اوان، لوهیاشان را شکست داده و شوش را مطیع ساخت، بلکه تلاش برای رسمی ساختن زبان اکدی در آنجا کرد. از این زمان، منابع بین النهرین در مورد ایلام تکرار شد، از زمانی که بین النهرینی ها علاقه به منابع (مانند چوب ،سنگ ، فلز) از فلات ایران پیدا کرده بودند و اعزام نظامی به منطقه بیشتر رایج شده بود.



نقش برجسته، یک زن ماهی را با مارهای گرفته نشان میدهد

با فروپاشی اکاد تحت نوه بزرگ سارگان، شارکالیشری، ایلام تحت آخرین شاه اوان، کوتیکانشوشیناک (حدود 2240 - 2220 ق.م) اعلام استقلال کرد، و زبان اکدی را دور انداخته در قصر خود ترویج رسم الخط ایلامی کرد.

کوتیک ان شوشناک، شوش و انشان را فتح کرد، و به نظر میرسد به نوعی وحدت سیاسی رسیده است. پس از سلطنت او سلسله اوان سقوط کرد طوری که ایلام توسط گوتی ها مورد تاخت و تاز قرار گرفت.

یک قرن بعد تر، شلجیاز اور^۲ شهر شوش و مناطق اطراف آنرا گرفت. دوران

بخش اول حکومت سلسله سمشکی، ایلام مورد حمله متناوب از بین النهرینی ها و گوتی ها ، با دوران های متناوب صلح و تلاش های دیپلماتیک قرار داشت.

شوسن از یور، برای مثال، یکی از دختر های خود را به ازدواج شهزاده انشان داد. اما قدرت سومری ها ضعیف بود؛ ابی سن در قرن بیست و یکم.م اقدام به نفوذ به ایلام دور نکرد و در 2004 ق.م ایلامی ها متحد با مردم شوش به رهبری پادشاه کینداتو موفق به اسارت اور و ابی سن را به اسارت کشانیدند، در نتیجه سلسله اور را خاتمه یافت. پادشاهان

، دولت جانشین اور، توانستند ایلامیان را از اور خارج کنند، شهر را دباره آباد کرده و مجسمه ننا را که ایلامی ها تاراج کرده بودند دبار هبرگردانند.

جانشین سلسله، اپارتی (حدود 1770-1970 ق.م)، همچنین به نام " سکماز " به دلیل عنوان منتقله توسط اعضای آن ، معاصر با دوران بابلی قدیمی در بینالنهرین بود.

این دوره گیج کننده و دشوار برای بازسازی است.ظاهرا توسط اپارتی اول بنا شده بود. در طول این مدت شوش تحت کنترل ایلامیها بود، اما ایالات بین النهرین از جمله لارسا به طور مستمر سعی در گرفتن شهر کردند.در حدود 1850 ق.م، کدرمبک ، ظاهرا شاه از یک ایالت دیگر ایلامی از شمال به شوش، موفق به نصب پسرش، و راد سن ، بر تاج و تخت لارسا شد و برادر و راد سن ، ریم سن جانشین و بسیاری از بینالنهرین را بر ایلامی فتح کرد.



جام نقره ای از مرودشت، فارس، کتیبه با خط - ایلامی بر روی آن .در اواخر هزاره سوم ق.م . موزه ملی ایران.

حاکمان قابل توجه سلسله اپارتی در ایلام در این مدت، شامل سیرکدخ (حدود 1850 ق.م) میشود، که وارد ائتلاف های مختلف نظامی برای داشتن قدرت دولتهای بابیلون شدند؛ سیوهپالارخپک ، که

برای بعضی وقت شخص با قدرت در ساحت بود، با احترام به عنوان "پدر" توسط پادشاهان بینالنهرین مانند زیمیرلیم از ماری، و حتی حمورابی بابل، و کدرناهنه، که معابد اکاد را غارت کرد، خطاب شد. اما تاثیر و نفوذ ایلامی در بینالنهرین باقی نماند. در حدود 1760 ق.م، حمورابی ایلامیان را بیرون راند، ریم سن از لارسا را سرنگون و سلطه بابلیون را در بینالنهرین تاسیس کرد.

در مورد قسمت دوم این سلسله شناخت کمی است، از منابع پراکنده با حکومت کاسیابابلیون (از حدود 1595 ق.م) بدست می آید.

دوره ایلامی میانه

انشانوسوسا (شوش)

دوره ایلامی میانه با ظهور سلسله انشانی حدود 1500 ق.م آغاز شد. حکومت شان توسط "ایلامی شدن" شوش مشخص شد، و پادشاهان عنوان "پادشاه انشان و شوش را بخود گرفتند. در حالی که سلسله های اولی آن، کدینوئی ها همچنان استفاده از زبان اکادی را مکرر در کتیبه های خود ادامه میدادند، جانشیناناجیحالکی ها و شدرکی ها ایلامی را با افزایش منظم استفاده میکردند. به همین ترتیب زبان و فرهنگ ایلامی اهمیت در سوسیانا پیدا کرد. کدینوئی ها (حدود 1500 - 1400 ق.م) یک گروه از پنج حاکمان از وابستگی نا معلوم است. آنها با استفاده شان از عنوان های قدیمی تر، "پادشاه شوش و انشان"، و توسط نامیدن خود "خدمتگار کرواشر"، یک خدای ایلامی، در نتیجه معرفی گران زیارتگاه بلندی های سوسیانا شناخته شدند.



یک طرح پر اب و تاب در این سنگ آهک، مراسم مالیهاز دوره ایلامی میانه، موجوداتبا سر بز و دم ماهی را نشان می دهد. (موزه لوور).

تهاجم کسی

از اجهالکی ها¹ (c. 1210-1400)، ده حاکم معلوم است ، و آنجا ممکن بیشتر باشد. برخی از آنها با شاهزاده خانم های کسی ازدواج کردند. پادشاه کسی از بابیلون نریگلو دوم ، موقتا ایلام را حدود 1320 ق.م اشغال کرد، بعد تر (حدود 1230 ق.م) پادشاه دیگر کسی، کشتلیا ش چهارم در جنگ با ایلام موفق نبود .

قدرت کسی ضعیف شد ، طوری که آنها توسط امپراتور آشوری بین النهرین میانه شمال چیره شدند. کدینختران اول از ایلامکسی هارابا شکست انلیل-ندین - شمی در 1224 و ادد - شما - ادینادر حدود 1217-1222 دفع کرد. تحتالهاکد ها ، کتیبه هایاکدی نادر بود و خدایانایلامی کوهستان بصورت پایدار و محکم در شوش تاسیس شد.

امپراتوری ایلامی

تحتشترکید ها (حدود 1210 - 1100 ق.م) ، امپراتوری ایلامیه اوج قدرت خود رسید. شترکنخونته و سهپسراو، کتیرنخونته دوم ، شیلهکانششینک و ختلتش ان ششی نک قادر به مبارزات مکرر نظامی بر کسایتبابیلیون (که همچنان توسط آشور در طول این مدت ویران شده بود) بودند ، و در همان زمان برگزاری نمایش فعالیت شدید ساخت و ساز و بازگرداندن معابد لوکس در شوش و درسراسر امپراتوری خود را داشتند. شوتروکنخونته به ادد ، بابیلون و اشنا حمله کرد، غنائم به وطن شوش مانند مجسمه های ماردوک و منیشتشو، منیشتشو او بلسک ، ستون همورابی و ستون نرام سن را آورد. در 1158 ق.م، شترکنخونته کسی ها را دوام دار شکست داد، پادشاه کسی از بابیلون و زابابا شما آیدینرا کشته و پسر بزرگترشکتیرناخونته را بجای او نشانده، که بیش از سه سال دوام نکرد قبل از آنکه توسط اکادی زبان های بومی بابیلیون پس زده شود.

او به طور موقت سوسا را به قوت های نیوچادنزار اول از بابیلون رها کرد، مجسمه ماردک را باز گرداند. او به انشان فرار کرد، اما بعد ها به شوش بازگشت و برادرش شلهناهمر و لگامر ممکن به عنوان آخرین پادشاه سلسله شترکی جانشین او شد. پس از ختلوش ان ششیناک، قدرت امپراتوری ایلامی بطور جدی شروع به نزول کرد، با این حاکم، ایلامناپدید به گمنامی بیش از سه قرن شد.

دوره ایلامی جدید

ایلامی جدید اول (حدود 1100 770 ق.م)



مبارزات آشورباتیپال علیه شوش پیروزمندانه در این نقش برجسته ثبت است نشان دهنده یغمای شوش در 647 ق.م است. در اینجا، شعله های آتش از شهر بلند میشود وقتی که سربازان آشوری با کلنگ و دیلم آن را خراب کرده و غنایم را میبرند.

خیلی کمی از این دوره شناخته شده است. انشان هنوز حداقل بخشی از ایلامیبوده نظری رسد ایلام و بابل دربرابر آشوری ها ائتلاف داشتند ؛ پادشاه بابلی مارتیاپلاشور (984 - 979) اصلا ایلامی بود ، و ایلامیان ثبت کردند که با پادشاه بابلون، مردک بلاسواجیمو فغانه بر ضد قوت های آشور تحت شمشیاداد (823 - 811) جنگ کردند.

ایلامی جدید دوم (حدود 770 - 646)

جزئیات بیشتر از اواخر قرن 8 ق.م معلوم است ، هنگامی که ایلامیان با مرادکبلدانبرای دفاع نهضت استقلال بابیلوناز آشور متحد شدند.خومبینگاش (743 - 717) ،

مرادکبلدان را برضدسارگون دوم ، ظاهرا با موفقیت محدود پشتیبانی کرد، درحالی که جانشین او، شتروکنخونته دوم(716 - 699) توسط لشکر سارگون در طول اردوگشی در 710 تارومارش، و ایلامیدیگر که توسط لشکر سارگون شکست خورد برای 708 ثبت است. پیروزی آشوربیربابل توسط پسر سارگونسنآچریب ، که او مرا دک بلدان را برای باردومازتاج و تخت انداخت تکمیل شد، در نهایت پسر خود، آشورنادین شومی آرا بر تاج و تختبابلون در 700 نشانند

شتروکناخته دوم، ایلامی آخرین به ادعای لقب قدیمی " شاه انشان" توسط برادرش، خلوشو ، که موفق به گرفتن آشور ندین شومی و شهر بابیلون در 694 شد، کشته شد.

سناشربیا تجاوز و تخریب الام در 698 انتقام گرفت. خالوشو به نوبه خود توسط کتیرناخونته که جانشین او شد کشته شد، اما بزودی به نفع خمانانو سوم (692 - 689) کناره گیری کرد. خمانانو، ارتش جدیدی برای کمک به بابلی ها در برابر آشوری ها در نبرد هلوله^{Halule} در 691 ق.م استخدام کرد.

نبرد غیر قطعی بود یا حداقل هر دو طرف ادعای پیروزی در سالنامه خود کردند، اما با بیلون توسط سناچریب تنها دو سال بعد تخریب شد و متحدان الامی شان در جریان شکست خوردند.

سلطنت خماخلدش اول (688 - 681) و خماخلدش دوم (680 - 675) یک زوال روابط ایلامی - بابیلونی دید و هردو به سپار حمله کردند. در آغاز سلطنت اسار هادون در آشور (681-669)، نبوزرکتیلیشر، فرماندار قوم ایلامی در جنوب بابل، شورش او را محاصره کرد، اما به ایلام فرار کرد، که در آن جا "پادشاه ایلام او را زندانی و بهشمشیر قرار داد" (ای بی سی 1 ستون 3:39 - 42).

اورتاکو (674 - 664)، برای برخی از زمان روابط خوب با آشوربانیپال (668 - 627) داشت، او گندم به سوسینا در مدت قحطی ارسال کرد، اما این روابط دوستانه موقتی بود، و اورتاکو در هنگام حمله ناکام ایلامی آشور کشته شد.

جانشین او تمپتیخما ان ششیناک (664 - 653) توسط آشور بانیپال مورد حمله قرار گرفته و پس از نبرد اولای در 653 ق.م کشته شد؛ و شوش توسط آشوری ها اشغال شد. در همان سال دولت ماد از شمال به سیتیها تحت مادیوس افتاد، بلافاصله جابجایی قبیله پارسو به انشان که پادشاه شان تاییسپس در همان سال آنرا تصاحب کرد. تبدیل آن برای اولین بار به پادشاهی ایران شد که یک قرن بعد تبدیل به هسته سلسله هخامنشی شد.

آشوری ها با موفقیت سکاها را از مستعمرات ایرانی خود بیرون راند.

در طول مهلت مختصر ارائه شده از سوی جنگ داخلی میان آشوربانیپال و برادرش شماش شم اوکین، که پدر خود را به عنوان پادشاه و از البابیون نصب کرده بود،

ایلامیان بیش از حد در مبارزه میان خودشان غرق شدند، با ضعیف شدن دولت ایلامی، در 646 ق.م آشور بانیپال سوسیانرا به آسانی ویران و شوش را غارت کرد.

یک جانشینی از حکام کوتاه مدت در ایلام از 651 - 640 ادامه یافت، هر یک از آنها یا به علت غصب، یا به دلیل گرفتاری پادشاه شان توسط آشوری ها خاتمه یافت. در این طریق، آخرین پادشاه ایلامی، خماخلدش سوم، در 640 ق.م توسط آشور بانیپال دستگیر شد، که او مملکت راضمیمه و ویران کرد.

در یک لوحه در سال 1854 توسط هنری آستین لیارد کشف شد، مباحث آشور بانیپال از تخریب او آمده است:

"شوش، شهرستان بزرگ مقدس، جایگاه خدایان شان، صندلی رمز و راز شان را من فتح کردم. من وارد قصر شان شدم، خزانه شان را که در آن طلا و نقره و اشیا و ثروت انباشته بود باز

کردم.... من زیگورات شوش را خراب کردم. من شاخ درخشان مسی شان را خراب کردم. من معابد ایلام را به صفر تقلیل دادم؛ خدایان و الهه را من به باد پراگندم. مقبره های پادشاهان باستانی اخیرشان را من و یران کردم ، من به معرض نورآفتاب قرار دادم ، و من استخوان های شان را به سوی سرزمین آشور بردم. من استان ایلام را ویران کردم و در سرزمین شان من نمک پاشیدم" .

ایلامی جدید سوم (646 - 539)

خرابی کمتر از آن چه آشور بانیپال لاف زد بود کامل بود ، و حکومت ایلامی به زودی پس از ستیرناخته، فرزند سوم (نباید با شوتیرناخته پسر اندادا ، یک پادشاه خورده در نیمه قرن ششم اشتباه کرد) دوباره احیا شد. خانواده سلطنتی ایلامی در قرن آخر قبالز هخامنشیان در میان پادشاهی های مختلف کوچک تکه تکه شده بود. کشور متحد ایلامی تخریب شده بود و مستعمره آشوری ها شده بود. سه پادشاه در پایان قرن هفتم (ستیرناخته ، خالتش ان ششیناکو عطاخما ان ششیناک) هنوز خود را "شاه انزان و سوسا" یا توسعه دهنده پاشاهیان و سوسا میخواندند ، در زمانی که هخامنشی ها عملا در انشان حکومت میکردند. جانشینان آنها خامنانو و شلهاک ان ششیناک دوم عنوان ساده شاه را داشتند، و پادشاه آخری تمیخما ان ششیناک ، هیچ عنوان نداشت. در 540 ق.م حکومت هخامنشی در شوش آغاز میشود.

مذهب ایلامی

ایلامیان تمرین چند خدایی میکردند. دانش در مورد مذهب شان اندک است، اما در یک نقطه یک معبد چند خدایی به ریاست خدا خومبان داشتند. خدایان دیگر عبارت از الهه کیریپیشا و خدایان انوشوشیناک و جابرو بودند. اشاره از سوشابه عنوان یک شهر زیبا از وارونا در متسیاپورا وجود دارد. علاوه بر این، در ریگودا آمده است که سیجوسیشتا توسط دریا هزار معبد بزرگ در دار و وارونا (به نامسوشا) را بازدید کرد. برخی از محققان بر این باورند که تبادل فرهنگی و مذهبی بین ایلام و هند وجود داشت.



چهره "دو شاخدار" با افعی حلقه شده است ، از جیرفت.

زبان ایلامی و منشاء نام خوزستان

ایلامی به زبان های همسایه سامی، سومری، و هند و اروپایی بی ارتباط است. آن را در یک خط میخی اقتباس شده از اسکرپیتاکدی نوشته بودند، هرچند مدارک بسیار اولی در اسکرپیتاکملا متفاوت "خطی ایلامی" نوشته شده بود. در سال 2006 ، دو کتیبه، حتی مسن تردریکاسکرپیتدر جیرفت به شرق کشف شد، باستان شناسان را بگمان زنی واداشت که خط ایلامیایلامی از همین جا به شوش پخش شده باشد. به نظر می رسد نوشتن حتی زودتر از آنچه "قبل ایلامی" شناخته شده توسعه یافت بود، اما محققان متفق القول نیستند که این اسگریبت برای نوشتن ایلامی یا هر زبان دیگری مورد استفاده قرار گرفته باشد، و آنها هنوز رمزگشایی نشده است.

دیوید مکالپین معتقد است ایلامی ممکن به زبان زنده دراویدی (از جنوب هند و براهوی؛ در پاکستان) ارتباط داشته باشد. خانواده فرضیه زبانهای ایلامو- دراویدی بیشتر ممکن است با تمدن دره سند تا حدودی به شرق ، احتمالاً مربوط بهملوها در ثبت های سومری متصل باشد. این پیوندها در بهترین حالت حدثی هستند، و خط تصویری هرپانینزباید رمز گشایی شود.

چند مرحله از این زبان گواهی شده است؛ اولین قدمت آن به هزاره ی سوم ق.م ، آخری به امپراتوری هخامنشی تاریخ زده است.

زبان ایلامی ممکن است الا دوره اوایل اسلامی جان سالم برده باشد. این ندیم در میان دیگر مورخان اسلامی قرون وسطی، به عنوان مثال، نوشت که " زبان های ایرانی، پهلوی ، دری ، خوزی فارسی و سوریانی " هستند و اینمقا اشاره کرد خوزی زبان غیر رسمی از اعضای خانواده سلطنتی از ایران بود، خوزنام خراب شده ایلام میباشد.

میراث

آشوری ها ادعا کردند که آنها کاملا ایلام را از بین بردند ، اما سیاسی های جدی در منطقه بعد از پژمرده شدن آشور بروز کرد. در میان ملت هایی که از سقوط آشوری هابهر همنشدند قبایل ایرانی بودند ، که حضور شان در اطراف دریاچه ارومیه در شمال ایلاماز قرن نهم در متن های آشوری تصدیق شده است. چند وقت بعد از آن منطقه بهمادیوس سیتی (653 ق.م) سقوط کرد ، تاپسیپسر هخامنشانشانایلامی را در اواسط قرن هفتم ق.م فتح کرده یک هسته شکل گرفت که به امپراتوری فارس گسترش یافت.



کبوتر بطول 4.5 اینچ لاجوردی آراسته با خال های طلا، مورخ 1200 ق.م از شوش

ظهور هخامنشیان در قرن ششم ق.م به پایان وجود ایلام به عنوان یک قدرت سیاسی مستقل ، "اما نه به عنوان یک نهاد فرهنگی" تمام شد. (دانشنامه ایرانیکا، دانشگاه کلمبیا).

سنت های بومی ایلامی، مانند استفاده از عنوان " شاه انشان "توسط کوروش بزرگ؛" لباسلند و گشاد ایلامی" پوشیده شده توسط کمبوجیه از انشان و دیدن جن بالداردر پاسارگاد؛ برخیز سبک های کنده کاری؛ استفاده ایلامی به عنوان اولین از سه زبان رسمی امپراتوری مورد استفاده

در هزارها از متون اداری در شهرستان داریوش از تخت جمشید یافت شده است ؛ ادامه پرستش از خدایان ایلامی و اسرار مذهب شخصی و فرقه‌ایلامی پشתיانی شده از طرف شاه، یک بخش اساسی از تاز هظهور فرهنگ فارسی هخامنشی در ایران را تشکیل داد. ایلامیان

کانالی شدند که توسط آنها دستاوردهای تمدن بینالنهرین به اقوام فلات ایران معرفی شد.

در مقابل، ایلامیان تأثیرات ایرانی را در هر دو ساختار و واژه‌ی در 500 ق.م جذب کردند، نشان دهنده شکل تداوم فرهنگی یا هم جوشی اتصال دوره های ایلامی و فارسی بود.

نام "ایلام" جان سالم به دوره هلنی و فراتر از آن برد. در شکل یونانی آن، ایلامیاس، ظهور آن به عنوان تعیین دولت نیمه مستقل تحت قیمومیت اشکانی در قرن دوم ق.م تا اوایل قرن سوم م بود. در اعمال رسولان 8:2-9 در وصیت نامه جدید، زبان ایلامیان یکی از زبان های شنیده در عید پنجاهه است. از 410 به بعد ایلام (بتهوزیه) استان شهری ارشد کلیسای شرق بود، تا به قرن چاردهم زنده ماند.